

دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۶، شماره ۱۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۷

«زرین‌ملک و امیر ارسلان: دو متن از یک نقال»

هادی یاوری^{*} هاشم صادقی محسن‌آباد^۲ مهرداد علیزاده شعریاف^۳

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۲۲)

چکیده

در این پژوهش درستی انتساب متن زرین‌ملک به نقیب‌الممالک و ارتباط آن به دربار قاجاری بررسی و ارزیابی شده است. به این منظور گزاره‌های قالبی مشترک میان این متن و دو اثر دیگر نقیب‌الممالک، یعنی امیر ارسلان و ملک‌جمشید را استخراج و بررسی کرده‌ایم. هر چند گزاره‌های قالبی، تمهد مشترک روایی در متون کلاسیک است؛ اما با توجه به تمایز نحوه به کارگیری و تفاوت صور بلاغی می‌تواند در تعیین سبک شخصی و شناخت خالق اثر نقش مهمی ایفا کند. گزاره‌های قالبی مشترک سه متن در این پژوهش به هشت دسته گزاره‌های قالبی آغازگر، پایانی، توصیفی، میان‌منتهی، تشبیه‌ی، سوگند، دشنام و دعا بخش‌بندی شده است. علاوه بر گزاره‌های قالبی، دیگر الگوهای همسان مشترک سه متن، در سه بخش ابیات، اسمای و طلس‌های مشترک بررسی شده‌اند. بر پایه همسانی پرسامد این الگوها و گزاره‌های قالبی مشترک می‌توان متن نسخه‌خطی زرین‌ملک را از نقیب‌الممالک، نقال دربار ناصرالدین‌شاه قاجاری، دانست.

واژه‌های کلیدی: زرین‌ملک، نقیب‌الممالک، گزارهٔ قالبی، امیر ارسلان، ملک‌جمشید، طلس
آصف و حمام بلور.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه نیشابور.

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه نیشابور.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه نیشابور (نویسنده مسئول).

* mehrdad.alizade1990@gmail.com

۱. مقدمه

متن زرین‌ملک تاکنون دوبار توسط انتشارات علمی (بی‌تا) و انتشارات ققنوس (۱۳۹۴) (به نام ملک‌بهمن و منسوب به ابن فریدون‌شاه خطایی) منتشر شده است؛ اما در هر دو چاپ، نام دقیق اثر و همچنین مؤلف و نیز دورهٔ شکل‌گیری داستان مغفول و مجھول مانده است. علاوه بر دخل و تصرفاتی که هر دو ناشر در اثر داشته‌اند، هیچ کدام در صدد برنيامده‌اند که این متن در چه دوره‌ای نقل شده و نقال متن که بوده است. در این گفتار، نگارندگان با توجه به گزاره‌های قالبی و نیز الگوهای همسان متن، انتساب زرین‌ملک به نقیب‌الممالک را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهند.

نسخهٔ خطی متن زرین‌ملک به شمارهٔ /۰ai:ut.ac.ir:book/۲۳۸۱۰۴-۱۱۰۰-۲ در کتابخانهٔ دانشگاه تهران موجود است. این نسخه به خط شکسته‌نستعلیق با تعداد سطر متغیر کتابت شده است. متن با «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع شده و در ۱۶۹ صفحه پایان می‌پذیرد. گفتنی است تقریباً از شروع ربع اول، خط متن تغییر می‌کند که این مسئله را می‌توان احتمالاً به حساب تغییر کاتب گذاشت. بعد از اتمام دوچهارم، خط متن دوباره تغییر می‌کند و مانند خط نخستین می‌شود.^۱

۲. پیشینهٔ تحقیق

۱. یادداشت معیرالممالک در مقالهٔ «رجال عصر ناصری» در مجلهٔ یعمما، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۳۴ دربارهٔ امیر‌ارسلان و زرین‌ملک یکی از مهم‌ترین منابع بروند-منی اظهارنظر دربارهٔ نحوهٔ شکل‌گیری دو متن امیر‌ارسلان و زرین‌ملک است.
۲. کتاب امیر‌ارسلان به تصحیح محمد جعفر محبوب توسط سازمان کتاب‌های جیبی در سال ۱۳۴۰ منتشر شده و در مقدمهٔ آن نکته‌های ارزشمندی دربارهٔ امیر‌ارسلان و قصه‌های عامیانه آورده شده است.
۳. مقالهٔ «نقش بافت و مخاطب در تفاوت سبک امیر‌ارسلان و ملک‌جمشید» از محمود فتوحی و هادی یاوری چاپ شده در مجلهٔ جستارهای ادبی، شماره ۶۷، زمستان ۱۳۸۸. پژوهندگان در این مقاله به بررسی تفاوت‌های سبک نثر دو اثر امیر‌ارسلان و ملک‌جمشید، طلسما آصف و حمام بلور می‌پردازنند. هدف از این

پژوهش، نشان دادن نقش عوامل بافتی و زمینه آفرینش در تفاوت سبک نثر این دو اثر در سه حوزه ساختارهای نحوی، واژگان و ترکیبات عامیانه و گزاره‌های قالبی است.

۴. مجموعه مقالات محمد جعفر محجوب درباره ادبیات عامه که مجموعه انتشارات چشمی آن را در سال ۱۳۸۸ منتشر کرده است. در این مجموعه، محجوب ذیل مقاله‌ای، در پی درستی انتساب متن ملک جمشید، طلس آصف و حمام بلور به نقیب‌الممالک با توجه به گزاره‌های قالبی مشترک میان این متن و متن امیر ارسلان است. محجوب در این مقاله صرفاً گزاره‌های قالبی را ملاک کار خود برای صحت انتساب دو متن از یک نویسنده قرار داده است

۵. کتاب از قصه به رمان تأثیف هادی یاوری چاپ شده در سال ۱۳۹۰. پژوهنده در این کتاب سعی در نشان دادن اهمیت دوره قاجاری به ویژه متن امیر ارسلان در گذار ژانر رمانس به داستان‌گویی مدرن دارد.

نخستین منبعی که به وجود این اثر اشاره می‌کند کتاب یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصر الدین شاه است (تاریخ چاپ نخست پیش از سال ۱۳۳۴) که در آن معیرالممالک از قصه‌های امیر ارسلان و زرین‌ملک یاد می‌کند که در دربار ناصر الدین شاه نقل شده‌اند و فخر الدوّله، دختر ناصر الدین شاه هر دو را کتابت می‌کرده است.

دوستعلی معیرالممالک ما را از وجود متنی به نام زرین‌ملک که از آن نقیب‌الممالک است، آگاه می‌کند. در بخش‌های بعدی این پژوهش، با توجه به گزاره‌های قالبی و الگوهای همسان مشترک، مشخص خواهد شد که این متن از نقیب‌الممالک و همان است که معیرالممالک از آن به داستان زرین‌ملک یاد می‌کند. در راستای همین انتساب، شاهد مثال‌هایی که از متن زرین‌ملک آورده می‌شود، از متن نسخه خطی خواهد بود؛ زیرا در هر دو متن چاپی متن -انتشارات علمی و ققنوس- دخل و تصرفاتی شکل گرفته که احتمالاً در راستای همه‌فهم کردن و امروزی کردن متنی تاریخی است. از جمله این دخل و تصرفات می‌توان به تبدیل کردن عباراتی نظیر «گنجور قدرت‌نما در خزانه افق را گشود و دست زرافشان آفتاب، جواهر کواكب را به زیر مخزن دامن آورد» به «روز شد»،

«آفتاب / خورشید، سر به چاهسار مغرب کشید / شب به سر دست درآمد» به «شب شد» اشاره کرد.

نگارندگان در پژوهش حاضر سعی در آوردن شواهد فراوان‌تر و مدون‌تر و به علاوه دیگر الگوهای همسان میان متون را دارند.

۲. مقایسه و بررسی همسانی گزاره‌های قالبی زرین‌ملک با امیر ارسلان و ملک-جمشید

گزاره قالبی مهم‌ترین سازه زبانی - مفهومی ساختار قصه‌های عامیانه، و به‌ویژه قصه‌هایی است که از نظر زبانی با ادب کلاسیک در پیوند است.

پیشینه نظری مفهوم گزاره قالبی به پژوهش‌های محقق بزرگ شعر شفاهی، میلمان پری درباره اشعار هومر و نظریات تکمیلی شاگرد او، آبرت لرد برمی‌گردد که بعد از استادش به کاربست آرای او روی شعر شفاهی مردم یوگسلاوی پرداخت. لرد و پری از گزاره قالبی «گروهی از واژگان» را اراده می‌کنند که «به کرات تحت شرایط وزنی یکسان به کار گرفته می‌شوند تا بر یک انگاره اصلی تأکید کنند [...]】 این گزاره‌های قالبی خود در ساختی بزرگ‌تر «مضمون»‌ها را شکل می‌دهند و مضامون‌ها «گروهی از ایده‌های‌یند که در روایت یک قصه با سبک مبتنی بر گزاره قالبی به کار می‌روند [...]】 پس از لرد و پری، پژوهندگان دیگر، مفاهیم حوزه شعر شفاهی را بازخوانی و مفاهیم آن را اصلاح کرده‌اند. در نگاه اخیر، مفهوم شعر شفاهی گسترش می‌یابد و دیگر واژه Oral فقط افاده معنای مضاد Written را نمی‌کند و واژه Poetry مفهومی معادل Literature دارد [...] در این بازنگری گزاره قالبی این‌گونه تعریف شده است: «عبارتی ثبت شده که در کنار مضامون‌های سنتی شعر شفاهی استقرار یافته است. گزاره قالبی برای فرم، در حکم مضامون است برای محتوا» و مضامون «واحد زیربنایی محتوا» است (به نقل از یاوری، ۱۳۸۸: ۱۶۰).

با توجه به چنین کیفیت‌هایی است که می‌توان با استخراج، بررسی و مقایسه گزاره‌های قالبی برخی متون عامیانه با یکدیگر، به موضوعات مختلفی از جمله میزان اشتراک و افتراء این متون با هم، میزان بدیع بودن آن به نسبت دیگر آثار همرده، میزان پیوند آن با سنت ادبی مرسوم و مانند آن پی برد. طبیعتاً با توجه به میزان اشتراک دو اثر

در گزاره‌های قالبی، با توجه به اینکه این گزاره‌های قالبی در حکم گنجینه محفوظات هر نقاش است^۲، به خوبی می‌توان درخصوص وحدت خالق و برسازنده این‌گونه آثار حکم کرد. از این رو در ادامه با بررسی برخی از مهم‌ترین گونه‌های گزاره‌های قالبی زرین‌ملک و آثار مسلم نقیب‌الممالک، به‌ویژه امیر ارسلان، موضوع را پی می‌گیریم.

در این بخش مهم‌ترین گزاره‌های قالبی مشترک این متون در چند دسته گزاره‌های آغازگر، گزاره‌های پایانی، گزاره‌های توصیفی، گزاره‌های روایتی، گزاره‌های تشبیه‌ی، گزاره‌های سوگند، دشنام و دعا دسته‌بندی می‌شوند و بسامد هر کدام از این گزاره‌های مشترک با ذکر سطر و صفحه براساس الگوی شماره سطر/ شماره صفحه مستند می‌شوند.

۱-۲. گزاره قالبی آغازگر

منظور از این گزاره‌ها، عبارت‌های قالبی آغازگر قصه‌ها یا روایت‌های فرعی گنجانده در دل قصه‌هاست. عبارت آغازگر قصه زرین‌ملک همانند امیر ارسلان است: «و اما راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرشکن شیرین‌گفتار و خوش‌چینان خرم من سخن‌دانی و صرافان سر بازار معانی و چابک‌سواران میدان دانش، تومن خوش‌خرام سخن را بدین‌گونه به جولان درآورده‌اند که ...» (ر.ک.ن.خ: ۱).

گزاره «و اما راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرشکن شیرین‌گفتار» تقریباً گزاره‌ای دست‌فرسود در میان عموم ناقلان و قصه‌گویان بوده است، لیکن آنچه به آثار نقیب تشخض می‌دهد ادامه گزاره است: «و خوش‌چینان خرم من سخن‌دانی و صرافان سر بازار معانی و چابک‌سواران میدان دانش، تومن خوش‌خرام سخن را بدین‌گونه به جولان درآورده‌اند که ...». حدس نگارندگان این است که گزاره قالبی آغازین از دیرباز دست‌خوش دگرگونی و گستردگی واژگانی شده است. اگر گزاره آغازین کتاب حمزه‌نامه را که کتابی مقدم بر متون است، در نظر بگیریم^۳ و با گزاره آغازین حسین کرد شبستری^۴ که متنی میان متن ما و متن امیر حمزه صاحب‌قرآن است، بسنجم و این دو گزاره را با گزاره آغازین امیر ارسلان و زرین‌ملک مقایسه کنیم، متوجه خواهیم شد که این بسط واژگانی در راستای شخصی‌سازی، امری مشهود و غیرقابل انکار است. گفتنی است که حتی در کتاب

قصه نوش آفرین گوهر تاج که به اعتقاد برخی محققان^۵ نقیب‌الممالک در روایات خویش از این متن تأثیر پذیرفته است^۶، با متن متفاوت است.^۷

۲- گزاره قالبی پایانی

گزاره قالبی پایانی عموماً به چند عبارت پایانی داستان گفته می‌شود که ختم کلام نقال را در بر می‌گیرد. گزاره پایان‌دهنده به این آثار، در عین اطناب درونی - محتوایی این قصه‌ها، معمولاً بسیار موجز و فشرده بیان می‌شود، به‌گونه‌ای که این پیش‌فرض را به ذهن می‌آورد که راوی باید قصه را تا زمانی مشخص ادامه می‌داد و در موعدی مشخص آن را پایان می‌بخشید. در اینجا برای اثبات این مدعای جمله / جملات آخر هر سه کتاب را می‌آوریم:

زرین ملک:

از این جانب ملک‌فریدون شاه، تاج شاهی بر سر ملک‌سهراب گذاشت و خود به عبادت مشغول شد. ملک‌سهراب هم به امر پادشاهی خطاب مشغول بود و گاهی ملک‌بهمن به شهر خطاب می‌آمد و گاهی ملک‌سهراب با پدرش به دیدن ملک‌بهمن می‌آمدند و به شهر بلور می‌رفتند و از یکدیگر دیدن می‌کردند. به همین قسم سال‌های دراز به سر بردنده و با زنان خود به عیش و نوش بودند و اولادهای انان و ذکور از ایشان به هم رسید. همگی مردند. ایام از این جهان فانی به سرای جاودانی شتافتند (۱۷۰/۲۴).

گزاره پایانی دو اثر دیگر:

ملک‌جمشید: «ملک‌داراب و ملک‌فریدون شاه و شهبال شاه را با آذرچهر و جهان‌آرای پری و بانو به شهر خود خوانده، جشن‌ها و سورها بر ایشان برپا کرد و به همین نهج زندگی کردند تا آنکه سپاه مرگ شهربند و جودشان را مسخر نموده هادم‌اللذات بر ایشان بتاخت. فسبحان من لا یموت» (۱۵۰/۱۷).

امیر ارسلان: «سال‌های دراز در این دار فانی داد عیش و عشرت و کامرانی دادند. سالی یک مرتبه به دیدن پطرس شاه می‌رفتند و او به دیدن ایشان می‌آمد تا به مرور ایام هر یک جهان فانی را وداع گفته به سرای جاودانی شتافتند و این داستان شیرین از ایشان به یادگار باقی ماند» (۵۳۶/۲۱).

در اینجا طرح دو نکته لازم به نظر می‌رسد: اول سیر نزولی ناگهانی در آخر قصه است. راوی تا چند خط پایانی داستان خبری از نشانه‌های خاتمه بخشیدن به قصه را بروز نمی‌دهد؛ اما ناگهان آخرين جمله / خط داستان، ضربه‌ای ناگهانی به مخاطب وارد می‌کند. نکته دوم که پیوندی با بحث مذکور دارد این است که هر سه داستان در خط آخر ختم به مرگ می‌شود که به نظر نگارندگان این‌گونه خاتمه‌بخشی به داستان تعمدی است که راوی قصد دارد مخاطب / روایت‌شنو را با جمله کوبنده «همگی مردن» تحت تأثیر قرار دهد.

۳-۲. گزاره‌های قالبی توصیفی

گزاره قالبی توصیفی جامعی است میان دو عنصر گزاره قالبی و توصیف. مقصود پژوهندگان در اینجا از توصیف، هر نوع عبارتی است که به وصف فضای قصه می‌پردازد. این نوع توصیفات و فضاسازی‌ها اگر به کرات در متن تکرار شود، حالت گزاره قالبی به خود می‌گیرد. گزاره‌های قالبی توصیفی را در چهار دسته توصیف زمان، توصیف جنگ و نبرد، توصیف طبیعت و توصیف افراد می‌توان بخش‌بندی کرد.

۱-۳-۲. توصیف زمان

«آفتاب / خورشید، سر به چاهسار مغرب کشید / شب به سر دست درآمد». امیر ارسلان: (۲۱/۱، ۶۸/۱، ۶۹/۳، ۸۲/۲۵، ۸۲/۲۵، ۲۱۷/۲۱، ۲۱۶/۳۰، ۲۴۷/۱۹، ۲۶۳/۱۹، ۳۸۲/۱۱، ۴۷۶/۲۹، ۴۴۱/۱۱، ۴۲۷/۷).
زرین‌ملک: (۱۴۵/۳، ۲۳/۱۸، ۲۲، ۴۲/۱۶، ۴۲/۱۶، ۹۱/۱۷، ۸۴/۱، ۵۹/۱۶، ۹۶/۲۴، ۹۱/۱۷).
ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۱۰/۸، ۱۳/۱۳، ۵۵/۱۳، ۸۳/۴، ۱۳۸/۹).

«گنجور قدرت‌نما در خزانه افق را گشود و دست زرافشان آفتاب، جواهر کواكب را به زیر مخزن دامن آورد». امیر ارسلان: (۴۳/۹، ۴۳/۱۱، ۸۳/۳، ۲۵۳/۱۱، ۲۵۹/۲۴، ۴۰۷/۴، ۴۶۱/۸، ۴۶۱/۸، ۴۶۷/۳۰، ۴۷۶/۳۰).
۱۲۷

زرین ملک: (۱۱۴/۲، ۱۳۴/۱۲).

ملک جمشید، طلسما آصف و حمام بلور: (۱۳/۲۰).

«در برآمدن آفتاب عالم تاب / جهان تاب / تیر اعظم ... سر از بالش استراحت / خواب ناز برداشت، به حمام رفت».

امیر ارسلان: (۳۵/۱۴، ۴۳۳/۲۳، ۴۳۰/۱، ۳۹۵/۱۰، ۳۶۴/۵، ۳۳۲/۱، ۱۴۹/۲۱، ۸۴/۳، ۶۷/۲۳، ۴۷۴/۱، ۵۰۱/۱۰، ۴۹۵/۴۹۳، ۲۵/۱۸، ۵۰۴/۳، ۵۷۴/۱، ۴۴۱/۲۶).

زرین ملک: (۱۳۴/۱۶، ۵۸/۱).

ملک جمشید، طلسما آصف و حمام بلور: (۶۲/۱۰).

«روز/روزانه دیگر که مرغ زرین بال آفتاب ندای قم باذن الله درداد».

امیر ارسلان: (۳۵/۱۰، ۴۳۷/۱۷، ۳۱۵/۱۸، ۳۸۹/۲۸، ۳۳۱/۱۶).

زرین ملک: (۲۲/۲۳، ۴۴/۸، ۲۴/۱۴، ۷۱/۷).

ملک جمشید، طلسما آصف و حمام بلور: (۱۱/۶).

«روز دیگر که آفتاب گل رنگ به امر ملک با فرهنگ از کوههای پر پلنگ و دریاهای پر نهنگ سر به در آورد و عالم را به نور جمال خود مزین کرد».

امیر ارسلان: (۱۱۹/۲۵، ۳۹۷/۳۰، ۴۴۱/۲۱).

زرین ملک: (۱۶۹/۱۵).

۲-۳-۲. توصیف جنگ و نبرد

به دلیل صبغه حماسی این متون، توصیف جنگ و نبرد بخش مهم و قابل توجهی شمرده می شود. اغلب در تمامی صحنه های نبرد و حماسی، پهلوان داستان حضوری بدون شکست دارد. به عبارتی هر چند هسته اصلی قصه، عاشقانه است، صحنه های نبرد بیشتر و گونه گون تر از وصف دلدادگی های قهرمانان داستان است (یاوری، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

«سر راه بر ... گرفت و طریق نبرد به جا آورد».

امیر ارسلان: (۳۲/۲۶، ۳۲/۱۱، ۱۹/۳۱۸).

زرین ملک: (۵۱/۲۵، ۵۹/۲۴، ۶۰/۱۵، ۹۷/۱۲، ۹۷/۱۳).

«برق تیغ از ظلمت غلاف کشید».

امیر ارسلان: (۳۳/۱، ۳۶، ۲۰۱/۱۰، ۳۱۹/۴، ۳۱۴/۲۳، ۲۰۱/۱۹). (۳۹۰/۱۹).

زرین‌ملک: (۶/۲۶، ۱۹/۹۷).

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۱۴۵/۷، ۱۲۱/۱۷).

«پنج انگشت چون خیار تر راست ایستاد / مانند خیار به دو نیم کرد».

امیر ارسلان: (۱۰/۱۰، ۲۲، ۳۳/۱۹، ۳۱۹/۱۹، ۳۸۵/۲۶، ۳۹۷/۱۲، ۴۱۷/۲۰، ۴۷۱/۱۷). (۴۸۲/۶).

زرین‌ملک: (۵۲/۲، ۵۶/۳، ۶۰/۲۴، ۸۶/۱۴). (۹۷/۱۷).

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۲۴/۲، ۱۰۹/۶).

«دامن یلی بر کمر پرده‌ی زدن».

زرین‌ملک: (۲۳/۲۳، ۲۳/۲۳). (۱۳۶/۲۳).

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۱۹/۱۷).

۳-۲-۲. توصیف طبیعت

توصیف طبیعت بیشتر به باغ‌هایی معطوف است که قهرمان داستان آن‌ها را از نظر می‌گذراند. البته مشخص است که توصیف قلاع و زمین‌ها در هر دو داستان به صورت پراکنده به چشم می‌خورد؛ لیکن منظور ما از توصیف طبیعت، گزاره‌قاليبی مشترک میان دو متن است که عیناً یا با اختلافی جزئی تکرار شده است.

«عجب جنگل / زمین باصفایی است، درختان سردسیری و گرسنگی، عرعر و صنوبر و شمشاد و سرو و کاج و فوفل سر به فلک کشیده و پا به کیمخت زمین استوار کرده».

امیر ارسلان: (۵/۲، ۵/۲۵، ۶۷/۲۵، ۴۱۱/۲۱). (۴۸۱/۴).

زرین‌ملک: (۲۳/۱، ۳۵/۸، ۸۳/۱۹، ۱۵۹/۴). (۱۶۲/۱۸).

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۲۰/۴).

۴-۳-۲. توصیف افراد

میرزا محمدعلی نقیب‌الممالک، برای عمق بخشیدن به داستان و شخصیت‌ها غالباً از گزاره‌های قاليبی مشخصی استفاده می‌کند. توصیف حالات در کنار توصیف شخصیت و

چهره افراد - بیشتر قهرمانان اصلی داستان - تقریباً به مخاطب برای ترسیم شخصیت‌های داستانی کمک می‌کند، به عبارتی در این دو داستان، درباره قهرمانان اصلی حداقل ما با تیپ‌هایی^۸ مثل عیار، دزد، جوانمرد، قهرمان و ... سروکار نداریم؛ بلکه شخصیت‌ها دارای شخصیت‌پردازی - حتی مبتدیانه - هستند.^۹

الف) ویژگی‌های مشترک میان انسان و غرفت

«آفتاب جمال، قد بالاعتدال و زلف و خال».

امیر ارسلان: (۱۷/۱، ۱۱۷/۱۷، ۴۸۴/۱، ۵۷/۲۰، ۱۱۷/۱۷، ۵۷/۲۰).^{۱۰}

زرین‌ملک: (۱۰۴/۹، ۱۶۶/۱، ۱۶۵/۱۲، ۱۱۹/۱۷، ۱۱۷/۱۲، ۱۰۴/۹).

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۱۶/۱۲، ۷/۷).

«هفت قلم مشاطه جمال کردن».

امیر ارسلان: (۸/۶، ۱۱۴/۱۳، ۱۱۴/۱۳، ۱۹۶/۱۷، ۱۲۴/۱۹، ۴۹۸/۳).

زرین‌ملک: (۱۱۰/۲، ۱۱۸/۸، ۱۱۸/۸).^{۱۱}

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۱۱۸/۱۵، ۱۱۱/۲، ۳۷/۱۹، ۲۷/۱، ۱۸/۱۱، ۱۱۱/۲، ۱۱۸/۱۵، ۱۲۹/۱، ۱۲۹/۱).

«مادر دهر قرینه‌اش را در وجود نیاورده».

امیر ارسلان: (۳۲/۲۸، ۶۱/۱۳، ۴۸۴/۳، ۳۹۵/۳۰، ۳۹۱/۸، ۲۹۲/۲۰، ۱۲۷/۱۰، ۸۸/۲۱).^{۱۲}

زرین‌ملک: (۱۱۹/۶، ۱۲۲/۲۳، ۱۶۵/۱۴).^{۱۳}

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۷/۳).

«قد مثل سرو جویبار زندگانی، چهره چون طبق یاقوت رمانی / زلف چون دسته سنبل دور گردنش ریخته / دو چشم چون دو نرگس شهلا».

امیر ارسلان: (۱۷/۴، ۱۲۷/۱۳، ۴۹۹/۸).^{۱۴}

زرین‌ملک: (۱۱۶/۱۴، ۱۶۵/۱۵).^{۱۵}

«اگر مانی نقاش سر از قبر بیرون بیاورد نمی‌تواند یک حلقة چشمش را بکشد».

امیر ارسلان: (۳۹۶/۱، ۲۶۱/۲۳، ۸۸/۲۳، ۵۷/۲۱).^{۱۶}

زرین‌ملک: (۱۷/۲۰، ۱۶۶/۲).

ب) ویژگی‌های مخصوص عفربیت و پری

«شاخها قلاچ قلاچ از کاسه سرش بهدر رفته / قد مثل منار، سر به طریق گنبد دوار،
چشم‌ها چون دو کاسه خون». ^{۱۰}

امیر ارسلان: (۲۴۵/۲، ۲۴۵/۲۱، ۲۶۳/۲۱، ۳۵۰/۲، ۴۱۳/۲۰، ۴۴۳/۶).

زرین‌ملک: (۱۳۹/۱۷، ۹۳/۱۸).

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۷۰/۲، ۴۹/۹).

«باد در تنوره / تنوره‌ها انداخت».^{۱۱}

امیر ارسلان: (۳۰، ۲۶۴/۳۰، ۲۶۶/۲۳، ۳۴۳/۱۷، ۴۳۵/۲۹، ۴۶۳/۱۱، ۴۶۵/۲۸، ۴۶۸/۸).

(۴۶۸/۲۵).

زرین‌ملک: (۵۴/۵، ۵۴/۲۸، ۸۷/۲۱، ۱۱۵/۲۲، ۱۰۱/۱۸، ۹۳/۱۱، ۸۷/۲۶، ۷۳/۴).

ج) حالت شادی- بزمی

«نقاره / نقاره خانه شادی / بشارت به نوازش در آوردند». ^{۱۲}

امیر ارسلان: (۱۰، ۲۴۲/۱۰، ۱۱/۱۲، ۵۱۶/۴۳۲، ۵۱۹/۱۴).

زرین‌ملک: (۲۵/۱۴، ۲۵/۱۱، ۸۹/۱۲).

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۱۴۵/۱۷).

«زهره / ملک سر از دریچه فلک / فلک بیرون آورده، سیر آن مجلس می‌نمود / از
رشک تماشی آن مجلس غمگین بود». ^{۱۳}

امیر ارسلان: (۴۳۳/۲، ۴۷۳/۹).

زرین‌ملک: (۲۰/۱۱، ۴۸/۱۱، ۹۰/۱۷).

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۸۳/۵).

د) حالت تأسف و اندوه

نقال گزاره‌های بیانگر تأسف و اندوه را به فراخور موقعیت داستانی در میان کلام جای
می‌دهد. این حالت بالطبع به تأثیرپذیری بیشتر مخاطب و خلق فضای دراماتیک خواهد

انجامید. این گزاره‌ها غالباً با تمہیدات بیانی تشبیه و کنایه به تصویر کشیده می‌شوند (یاوری، ۱۳۹۰: ۱۶۰). سه گزارهٔ زیر بر جستهٔ ترین این‌گونه تعابیر است: «کندن/گویا کندن نه سپهر/ نه طاق نیلگون/ فلک را و بر سرش کوبیدند/ بر کله‌اش کوبیدند».

امیر ارسلان: (۴۰۷/۱۴، ۴۱۹/۱۲، ۴۲۵/۱۷، ۴۳۸/۱۴، ۴۹۰/۱۶، ۵۶/۱۱، ۳۳/۷).

زرین‌ملک: (۹۶/۱۵، ۸۷/۸، ۱۰۰/۴).

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۱۴۴/۶).

«آه از جان/نهاد/ش/... برآمد».

امیر ارسلان: (۱۴۸/۱۸، ۱۵۲/۱۰، ۱۵۳/۱۹، ۲۱۶/۲۳، ۲۲۴/۲۵، ۲۴۲/۲، ۲۴۴/۲۵، ۲۸۵/۲۳).

زرین‌ملک: (۴۳۷/۲۷، ۳۶۹/۱۱، ۳۳۹/۹، ۳۱۹/۱، ۳۱۸/۱۵، ۲۸۶/۱).

زرین‌ملک: (۱۳۸/۱۸، ۸۶/۱، ۸۳/۲۷، ۷۲/۱۹، ۷۱/۱۸، ۱۲/۱۹، ۹/۱۸، ۷/۵).

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۱۱۴/۷، ۸۹/۱۹، ۱۷/۱۲).

۴-۳-۲. گزاره‌های قالبی تشبیه‌ی

در اصل این گزاره‌های قالبی، ماهیتی جدا از گزاره‌های قبلی ندارد؛ و لیکن به دلیل اینکه برخی گزاره‌ها در بخش‌بندی‌های گذشته جای نمی‌گرفتند، این گزاره‌های تشبیه‌ی را که پیش از این به آن اشاره نشد، در این قسمت همراه با ساماند آن‌ها بررسی می‌کنیم. «چون/ مثل باد صرصر».

امیر ارسلان: (۴۹۱/۱۳، ۲۸۳/۳۰، ۲۶۹/۱۸، ۵۳/۱).

زرین‌ملک: (۶۷/۱۸، ۱۱/۱، ۷/۱۲، ۱/۱۳).

«چون جان شیرین».

امیر ارسلان: (۴۹۵/۱۹، ۴۸۸/۱۶، ۴۲۷/۲۰، ۴۱۹/۱۶، ۳۴۰/۲۵، ۵۱۹/۳، ۲۰/۱۴).

(۵۳۰/۲۱، ۵۲۹/۴، ۵۲۸/۱۸).

زرین‌ملک: (۱۱۷/۳، ۱۱۰/۱۵، ۱۰۵/۸، ۱۰۴/۱۱، ۹۱/۴، ۸۹/۱۷، ۸۳/۱۰، ۶۰/۸، ۴۳/۲۲).

(۱۶۶/۱۵، ۱۳۴/۹، ۱۴۱/۲، ۱۶۵/۷).

«چون سیماب/ کرۂ سیماب به لرزه درآمد».

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۴۹/۱۲، ۱۰۸/۲۰).

امیر ارسلان: (۲۱۰/۲۳، ۳۳/۳).

زرین‌ملک: (۲/۱۷، ۲/۲۲، ۶۰/۲۲).

«سیند آسا».

امیر ارسلان: (۶۴۵۷، ۲۷۶/۲۴، ۲۵۴/۷).

زرین‌ملک: (۱۰۵/۸، ۴۴/۱۸، ۱۰۴/۹).

۵-۳-۲. گزاره‌های قالبی سوگند

سوگند از بارزترین گزاره‌های قالبی در این گونه متون است. در خوانش این متون، مخاطب آگاه می‌شود که شخصیت‌ها حتی شخصیت‌های اصلی و قهرمان قصه به راحتی مرتكب دروغ می‌شوند و حتی در راستای باورپذیر کردن این دروغ‌ها سوگند هم یاد می‌کند. در ادامه سعی می‌شود پربسامدترین سوگندها همراه با فراوانی آن‌ها ارائه شود.

«جقه / جیقه‌ات را دشمنم».

این سوگند در واقع از سوگندهای نشان‌دار متن است، در راستای اثبات انتساب این متن به دوره قاجاری.

امیر ارسلان: (۲۷/۲۳، ۹۷/۵، ۹۸/۱۸، ۹۸/۱، ۱۰۴/۱۳، ۱۷۲/۱۹، ۱۷۳/۱۶، ۱۷۵/۱، ۱۸۰/۲۳، ۱۸۴/۶، ۱۸۴/۱، ۲۱۴/۱۳، ۲۳۹/۲۴، ۲۵۳/۱۳، ۵۱۲/۱۵).

زرین‌ملک: (۶/۱۴، ۱۴/۲۷).

«به خدای عالم / به خدای هجدۀ هزار عالم / جان من و تو در قبضۀ قدرت اوست».

امیر ارسلان: (۸۵/۲۹، ۸۷/۱۹، ۱۰۷/۱۱، ۱۳۴/۲۶، ۱۳۶/۲، ۱۶۸/۲۱، ۱۶۸/۲۷، ۱۶۹/۵، ۳۲۸/۱۸، ۱۷۰/۱۹، ۱۷۴/۱، ۱۷۰/۱۹).

زرین‌ملک: (۴۵/۱۲، ۹۶/۱۰).

«تو را به دین / آیین / مذهبت قسم».

امیر ارسلان: (۱۲۶/۶، ۱۶۸/۵، ۲۰۹/۱۲، ۲۷۸/۳۰، ۲۴۳/۱۲، ۲۷۹/۲۴، ۲۸۶/۲۰، ۲۸۷/۶، ۴۷۷/۳۸، ۳۹۶/۲۰، ۲۹۳/۲۰).

زرین‌ملک: (۳/۱۴، ۸/۱۱، ۲۷/۲۲، ۲۹/۱، ۳۶/۳، ۳۷/۲۳، ۴۳/۳، ۷۲/۲۷).

۶-۳-۲. گزاره‌های قالبی دشنام

درباره دشنام‌ها ذکر سه نکته لازم به نظر می‌رسد. همان‌طور که در بخش قبل اشاره شد، دشنام‌ها گاهی همانند قسم، کارکرد خود را از دست می‌دهند و دیگر بار معنایی منفی ندارند. نکته دوم این است که گاهی گزاره دشنام مدخلی برای ورود راوی به قصه است. راوی نسبت به شخصیت‌های منفی موضع می‌گیرد و اسمشان را همراه با دشنام - معمولاً حرامزاده - می‌آورد^{۱۱}. نکته سوم اینکه گاهی دشنام‌ها آورده‌گاهی می‌شود برای جولان دادن پهلوانان و رقیبان در مقابل یکدیگر قرار گرفته، به شکلی که از دشنام به جای رجزخوانی پهلوانی استفاده می‌شود.^{۱۲}

حرامزاده:

امیر ارسلان: «۲۰/۱۱، ۲۱/۱۷، ۳۳/۱۲، ۷۵/۲۵، ۷۲/۱، ۷۹/۵، ۸۱/۷، ۸۱/۸، ۸۲/۱۰، ۸۱/۹، ۴/۱۰، ۴/۹، ۴/۲، ۳/۲۳، ۳/۱۵، ۲/۱۹، ۳/۱، ۱۰۰/۸، ۸۳/۱۰، ۱۶۰/۱۵، ۱۵۵/۳۰، ۱۵۵/۲۱، ۱۵۵/۱۱، ۱۵۴/۲۲، ۱۴۶/۲۳، ۱۰۵/۲۰، ۱۰۵/۲۱، ۱۰۰/۱۰، ۶۸، ۲۱۳/۳، ۲۴۶/۲۵، ۴۱۳/۳۰، ۳۶۵/۲۵، ۳۱۸/۲۵، ۲۶۷/۲۹، ۲۵۴/۱۴، ۴۷۰/۲۱). در مجموع ۶۸ مورد.

زرین‌ملک: (۲/۱۹، ۲/۱۵، ۳/۱۵، ۳/۲۳، ۴/۱، ۴/۲، ۴/۹، ۴/۱۰). در مجموع ۷۴ مورد. ملک جمشید، طلسما آصف و حمام بلور: (۴۵/۱۶، ۵۱/۲، ۵۰/۳، ۵۱/۸، ۵۲/۲، ۷۰/۱۹، ۷۰/۱۰، ۷۱/۱۳، ۷۱/۱، ۱۲۱/۶، ۱۲۱/۱۱، ۱۲۱/۱۷، ۱۲۱/۱۸).

لچک خراباتیان عالم/فرنگ بر سر(م)/(ت).

امیر ارسلان: (۲۰۰/۲۵، ۲۵۶/۲۰).

زرین‌ملک: (۲۶/۲، ۴۵/۱۳، ۸۰/۱۹، ۸۷/۱۰). (۹۴/۲۵).

۶-۳-۳. گزاره قالبی دعا

گزاره دعا بیشتر در دربار پادشاه و در ضمن ارائه ادب به شخص شاه به کار می‌رود. پرکاربردترین گزاره دعاوی مشترک در دو متن، گزاره قالبی «عمر/ عمر و دولت را خدا/ خلاق عالم/ خدای هزار عالم زیاد کند» است که در زیر نشانی این گزاره ارائه می‌شود.

امیر ارسلان: (۱۵/۱۵، ۹۱/۲۵، ۲۸۹/۳، ۲۸۶/۷، ۲۹۲/۱۸، ۵۱۲/۲۵).

زرین‌ملک و امیر ارسلان: دو متن از یک نقاشی هادی یاوری و همکاران

زرین‌ملک: (۱۵/۷، ۱۱، ۷۹/۳، ۸۹/۷، ۹۴/۱۷، ۹۶/۴، ۱۰۱/۲۴، ۱۰۵/۷، ۱۵۱/۹).

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۹۶/۳).

۴-۲. الگوهای همسان

در این بخش اشتراکات دیگر میان متنی سه داستان با عنوان الگوهای همسان می‌آید. این الگوها اشتراکاتی است که ذهن نقاش بر آنها استوار شده است و داستان را بر اساس همین بنایه‌ها پیش می‌برد. الگوهایی که در سه متن ذهن نقیب‌الممالک را می‌سازند در سه بخش ابیات، اسمی و طلسنم مشترک قابل بررسی است.

۱-۴-۲. ابیات مشترک

فراوانی ابیات مشترک در دو متن ضمن دلالت بر اشتراک زمانی متون، به حدی است که با اندکی تأمل، قابل تشخیص است که سه متن از آن یک نفر است. در اهمیت ابیات مشترک در متون باید این نکته را نیز افزود که خلاف برخی گزاره‌های قالبی که گاهی مربوط به یک دوره زمانی مشخص است، نقل ابیات در حین نقاشی، به حافظه و سیر مطالعاتی پیشین نقاش و انس او با دواوین گذشته مربوط است که وی چه ابیاتی را به حافظه خویش سپرده و در نقل، از آنها استفاده کرده است. درواقع، همین اشعار حفظی است که نوعی شخص نقل به نقاش می‌دهد. در اینجا ابیات مشترک که گاهی در متن تکرار یافته است را بیان می‌کنیم:

لب یک قرابه شهد رو یک طبق بلور	رخ یک بهشت حور تن یک سپهر نور
شمشاد قد او همسنگ نارون	یاقوت لعل لب همنگ ناردان
بند است یا گره چین است یا شکن	در زلفکان او تا چشم می‌رود
آن صدهزار مو این صدهزار من	گیسویش از قفا غلطیده تا سرین

امیر ارسلان: (۳۸۷/۱).

زرین‌ملک: (۳/۵).

ملک جمشید و طلسنم آصف: (۱۱۶/۱۹).

یافت از سرچشمۀ خورشید نور	روز دیگر کاین جهان پر غرور
هندوی شب را ز تیغ افکند سر	ترک روز آمد ابا زرین‌کمر

امیر ارسلان: (۳۵/۱۲).

زرین ملک: (۱۳۴/۱۴).

ملک جمشید، طاسم آصف و حمام بلور: (۲۵/۲).

مهابت تو اگر بانگ بر زمانه زند قطار هفتہ ایام بگسلند مهار

امیر ارسلان: (۹۱/۲۶).

زرین ملک: (۱۵/۶).

سحرگاهان که فرزندان انجم شدند از چشم یعقوب فلك گم

امیر ارسلان: (۶۷/۱۸).

زرین ملک: (۱۶/۴).

ملک جمشید، طاسم آصف و حمام بلور: (۱۱/۶).

شب چو مشکین عمامه بر سر بست آسمان از ستاره زیور بست

طاقی از سیم و طاقی از زر بست زهره در پیش بام زنگاری

امیر ارسلان: (۱۱۵/۲۱).

زرین ملک: (۱۱۴/۴).

ملک جمشید، طاسم آصف و حمام بلور: (۱۰/۹).

برآراست شب روی مانند ماه به زلفین مشکین و چشم سیاه

سر زلف مه گشته انبرفروش خم طره افکند مه را به دوش

امیر ارسلان: (۴۳۲/۶).

زرین ملک: (۲۲/۲۲).

سرزمینی است که ایمان فلك رفته به باد

امیر ارسلان: (۴۷۶/۱۶).

زرین ملک: (۲۷/۲۰).

ملک جمشید، طاسم آصف و حمام بلور: (۴۴/۸).

ز سنگانداز او هر سنگ جستی پس از قرنی سر کیوان شکستی

امیر ارسلان: (۶۹/۱۱).

زرین ملک: (۲۸/۱۲).

زرین‌ملک و امیر ارسلان: دو متن از یک نقال هادی یاوری و همکاران

من به مردن راضی ام پیشم نمی‌آید اجل
امیر ارسلان: (۳/۲۵).
زرین‌ملک: (۲۹/۲).

بخت بد بین کز اجل هم ناز می‌باید کشید
که با آزادگان دائم به کین است
کزو دل بشکند صاحب‌دلی را
فلک را عادت دیرینه این است
به جان می‌پرورد بی‌حاصلی را
امیر ارسلان: (۴/۵).
زرین‌ملک: (۳۲/۱۷).

عیان شد رشحه خون از شکاف جوشن دارا
نمایان شد میان مهد زرین‌طلعت عیسی
کنار چشمۀ روشن برآمد لاله حمرا
ز جیب روشن فجر آشکارا شد کف موسی
برآمد چون ز خاور طلعت خور چون رخ لیلا
زدش بر کوه خاور بی‌محابا شیشهٔ صهبا
به یغما برد در یک دم، هزاران لؤلؤ لالا
سحر از کوه خاور تیغ اسکندر چو شد پیدا
دم روح القدس زد چاک در پیراهن مریم
میان روضهٔ خضرا روان شد چشمۀ روشن
ز دامان نسیم صبح پیدا شد دم عیسی
درافشان کرد از شادی فلک چون دیدهٔ مجnoon
درآمد زاهد صبح از در دردی کش گردون
برآمد ترکی از خاور، جهان‌آشوب و غارتگر
امیر ارسلان: (۱۴۹/۱۵).
زرین‌ملک: (۳۲/۲۱).

منظري بود چه خلوتگه يار
بود بنای فرازش معمار
امیر ارسلان: (۴۰/۲۶).
زرین‌ملک: (۳۵/۱۴).

که در هر فرازت بود صد نشیب
بنازم به دور تو ای آسمان
که از بی‌کسی گشته دمساز هم
نیینند هرگز دگر روی هم
بنازم به دور تو محنت‌نصیب
همی از دورنگیت دارم فغان
دو کس را که بینی هم‌آواز هم
چنان دورشان افکنی از ستم
امیر ارسلان: (۷۰/۲۲).
زرین‌ملک: (۳۸/۱۰).

ملک‌جمشید، طلس‌آصف و حمام بلور: (۴۱/۹).
می و مینا و شاهد و ساقی نی و طنبور و بربط و مزهر

یک طرف ساقیان مشکین موی بی خود آن یک غنوده در بستر	آشنا داند صدای آشنا امیر ارسلان: (۴۳۱/۱۴). زرین ملک: (۱۴۳/۲۶).
آری آری جان فدای آشنا امیر ارسلان: (۴۱۸/۱۳). زرین ملک: (۶۶/۱۲).	لیلی و مجنون که عشق افروختند امیر ارسلان: (۴۱۹/۲۱). زرین ملک: (۱۴۰/۱۴).
عشق بازی زین دو تن آموختند امیر ارسلان: (۳۹۶/۴). زرین ملک: (۹۰/۱).	این کیست سواره که بلای دل و دین است ماهی است درخشندۀ که بر ابر سوار است امیر ارسلان: (۳۹۶/۴).
صد خانه برانداخته در خانه زین است سرمی است خرامنده که بر روی زمین است تا به کام دل کنم سیری دگر	عالی خواهم از این عالم به در امیر ارسلان: (۳۷۴/۲۷). زرین ملک: (۱۶۱/۲۷).
لیس فی الدار غیره دیار	نیست در خانه دلم جز یار امیر ارسلان: (۶۶/۱۸). زرین ملک: (۷۲/۲۳).
گشود از چشم انجم صد هزاران نرگس شهلا	شباهنگام چون بنهفت رخ این لاله حمرا امیر ارسلان: (۴۲۷/۹). زرین ملک: (۹۶/۲۵).
تخته را شست از سیاهی شب قلم زر به لوح فیروزه	روز دیگر که طفل این مکتب آسمان زد به رسم هر روزه

زرین‌ملک و امیر ارسلان: دو متن از یک نقاشی هادی یاوری و همکاران

امیر ارسلان: (۴۶۱/۱۰).

زرین‌ملک: (۱۶۶/۲۱).

ملک جمشید، طلسما آصف و حمام بلور: (۱۴/۲).

پس از نه جام می، یا هشت، یا ده، بیش یا کمتر
چه داند حال مستی خاصه در بر هر که جاناش؟
بناغه صبح صادق سرزد از بر
کله پرتاب کرد از سر، قبا بیرون نمود از بر

امیر ارسلان: (۱۹۳/۱۶).

زرین‌ملک: (۱۳۴/۶).

ملک جمشید، طلسما آصف و حمام بلور: (۱۰/۱۷).

اگر صد سال زیر سنگ باشی از آن بهتر که زیر ننگ باشی

زرین‌ملک: (۱۳۶/۱۶).

ملک جمشید، طلسما آصف و حمام بلور: (۵/۸).

تاجکی از مشک تر گذاشته بر سر غیرت تاج قباد و افسر دارا
خرخم و چین چین، شکن شکن سر زلفش
روی سفیدش برادر مه گردون موی سیاهش پسرعم شب یلدا
زرین‌ملک: (۱۵۸/۲۰).

ملک جمشید، طلسما آصف و حمام بلور: (۱۵/۲).

یکی کوه پایه سر اندر سحاب مکان پلنگ آشیان عقاب

ملک جمشید، طلسما آصف و حمام بلور: (۱۹/۳۰).

زرین‌ملک: (۵۳/۲۳).

هر ببلی که زمزمه بنیاد می‌کند اول مرا به برگ گلی شاد می‌کند

ملک جمشید، طلسما آصف و حمام بلور: (۲۴/۴).

زرین‌ملک: (۶۶/۲۳).

دوستان شرح پریشانی من گوش کنید
داستان غم پنهانی من گوش کنید
قصه بی سروسامانی من گوش کنید
روزگار من و حیرانی من گوش کنید

ملک جمشید، طلسما آصف و حمام بلور: (۳۳/۲).

زرین‌ملک: (۹۰/۲۲).

شمع را در وقت خواب از پیش چشمش مگذران سایه مژگان مباد از خواب بیدارش کند
ملک جمشیدی، طاسیم آصف و حمام بلور: (۳۴/۲۰).
زیرین ملک: (۶۶/۵).

چه شود به چهره زرد من نظری برای خدا کنی
که اگر کنی همه درد من به یکی نظاره دوا کنی
تو شهی و کشور جان تورا، تو مهی و جان جهان تورا
ز ره کرم چه زیان تو را که نظر به حال گدا کنی
ملک جمشیدی، طاسیم آصف و حمام بلور: (۳۵/۸).
زیرین ملک: (۸/۴).

ز بس که سجده کنم بی حجاب پیش جمالت بر عالمی شده روشن که آفتاب پرستم
ملک جمشیدی، طاسیم آصف و حمام بلور: (۳۹/۱۹).
زیرین ملک: (۱۳۳/۴).

یک دو رقص و دو سارنگی و یک سرنایی
ضرب گیر اکبری و احمدی و بابایی
می چون زمزم با زمزمه ترسایی
خوش بیارند که دارم سر بزم آرایی
خیز و خدام مرا گو که بیارند به نقد
تازن زاغی و ریحان و ملیمای یهود
هم بگو مغبچه‌ای چند بیایند خورند
هم بفرما که کتاب بره و ماهی کبک

ملک جمشیدی، طاسیم آصف و حمام بلور: (۴۰/۴).
زیرین ملک: (۴۱/۵).

به یکی چشم زد مهیا کرد ساز و برگ نشاط را یکسر
می و مینا و شاهد و ساقی
جره و کبک و تیهو و دراج
یک طرف ساقیان مشکین مو
بی خود آن یک فتاده در دهلیز
بنده اینجا نشسته با خواجه
بالش از جام کرده باده گسار
جفت جفت از دو رو همه خفته
ملک جمشیدی، طاسیم آصف و حمام بلور: (۴۰/۷).
زیرین ملک: (۱۴۳/۲۸).

ساقی آتش‌پرست و آتش‌دست ریخت در ساغر آتش سوزان
ملک جمشید، طاسیم آصف و حمام بلور: (۴۰/۱۳).
زرین‌ملک: (۱۵۷/۱۹).

لاله فروزنده در او چون چراغ
سر و گل و بید به هم برشد
عربده‌جو نسترن و یاسمون
عقل‌بری، هوش‌رباینده‌ای
در نظر آورد یکی طرفه باع
نار و به و سیب شناور شده
نرگس سرمست به طرف چمن
بر سر هر شاخ سراینده‌ای
ملک جمشید، طاسیم آصف و حمام بلور: (۴۷/۳).
زرین‌ملک: (۱۵۸/۲۷).
امیر ارسلان: (۲۹۱/۲۸).

یا او تن ما به دار سازد آونگ
یک مرده بنام به که صد زنده به ننگ
یا ما سر خصم را بکوییم به سنگ
القصه در این سراچه پرینی‌نگ
ملک جمشید، طاسیم آصف و حمام بلور: (۵۵/۵).
زرین‌ملک: (۱۳۶/۱۹).

ندیده کس به زیر چرخ دولاب
که آتش زنده بیرون آید از آب
ملک جمشید، طاسیم آصف و حمام بلور: (۶۲/۱۲).
زرین‌ملک: (۱۶۷/۱۸).

به سجده آفتاب از خاور آید
اگر خاقان و گر اسکندر آید
و گر سلطان ماضی سنجر آید
که را قدری بود کر در درآید؟
بوک شخصی که بر درگاه آید
چه گویی؟ بازگردد یا درآید؟
شها بر آستانت هر سحرگاه
به عظم خاکبوس آستانت
اگر نوشیروان و خسرو هند
که تا خدام را نبود اجازت
غريبی ناتوانی از ره دور
رسیده در حریم آستانت

ملک جمشید، طاسیم آصف و حمام بلور: (۶۴/۱۰).
زرین‌ملک: (۷۹/۴).

درخت‌های بارور چو اشتiran باربر همی به پشت یک‌دگر کشنده صف قطارها

چو جوی نقره آبها روان در آبشارها
ترانه‌ها نواخته چو زیر و بم تارها
به شاخ و سروبن همه چه کبک‌ها چه سارها
به شاخ گل پی‌گله ز رنج انتظارها

ز ریش سحاب‌ها بر آب‌ها حباب‌ها
زنای خویش فاخته دو صد اصول ساخته
فکنده‌اند همهمه کشیده‌اند زمزمه
فکنده‌اند غلغله دو صد هزار یک‌دله

ملک جمشید، طاسم آصف و حمام بلور: (۷۸/۱۰).
زرین‌ملک: (۲/۱).

مالامت‌ها که بر من رفت و سختی‌ها که پیش آمد گر از هر نوبتی فصلی بگوییم داستان آید
ملک جمشید، طاسم آصف و حمام بلور: (۹۶/۱۸).
زرین‌ملک: (۱۰۲/۱۸).

بر سیهدل چه سود خواندن وعظ؟ نرود میخ آهنین بر سنگ
ملک جمشید، طاسم آصف و حمام بلور: (۹۸/۴).
زرین‌ملک: (۲۸/۲۱).

فدای خانه درستهات شوم مجnoon به هر طرف که نظر می‌کنم بیابان است
ملک جمشید، طاسم آصف و حمام بلور: (۱۰۱/۶).
زرین‌ملک: (۱۳۸/۵).

المنه الله که نمردیم و دیدیم دیدار عزیزان و به خدمت برسیدیم
ملک جمشید، طاسم آصف و حمام بلور: (۱۰۳/۱۹).
زرین‌ملک: (۱۵۶/۱۹).

گر نگه‌دار من آن است که من می‌دانم شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد
ملک جمشید، طاسم آصف و حمام بلور: (۱۲۰/۱۰).
زرین‌ملک: (۵۰/۴).

۲-۴-۲. اسمی مشترک

اگر در نظر بگیریم که تقیب‌الممالک این داستان‌ها را به طریق بداهه در حضور پادشاه می‌گفته است، مسئله نام همسان و مشترک اهمیت بسیاری می‌یابد. احتمالاً تقیب‌الممالک مجال زیادی

برای گزینش اسم‌ها و نام‌های جدید نداشته یا اگر هم قبل از حضور در دربار به اسمی و سیاق قصه فکر می‌کرده است، شخصیت‌های ناگهانی و فرعی که در دل قصه به وجود آمده‌اند، همان نام‌های تکراری مشترک میان دو متن را دارند. به همین دلیل چند شخصیت اصلی داستان نام مجزا و بقیه شخصیت‌ها عموماً دارای اسم مشترک هستند. در اینجا در راستای تقویت صحت انتساب این متن به نقیب‌الممالک، اسمی و القاب مشترک میان سه متن فهرست می‌شود.

شهیال:

ملک‌جمشیل، طلسیم آصف و حمام بلور: (۸۲/۶، ۹۹/۱، ۱۲۳/۱۹، ۱۳۶/۱، ۱۳۶/۸).

زرین‌ملک: (۴۸/۵، ۴۸/۶، ۵۲/۶، ۵۶/۵). در مجموع ۲۸۶ مورد.

خواجه عبدالرحمن:

ملک‌جمشیل، طلسیم آصف و حمام بلور: (۱۲۷/۸).

زرین‌ملک: (۴۹/۱).

دایه خاتون:

ملک‌جمشیل، طلسیم آصف و حمام بلور: (۳۶/۲۰).

زرین‌ملک: (۲۳/۵، ۲۵/۱۵، ۲۶/۸).

ملک‌داراب:

ملک‌جمشیل، طلسیم آصف و حمام بلور: (۱۲۷/۱۶، ۱۲۹/۱۳، ۱۳۱/۱۶، ۱۳۷/۱۹، ۱۳۸/۱۸، ۱۳۸/۲۰).

زرین‌ملک: (۶۳/۲۱، ۸۲/۱۵، ۹/۱۲، ۹/۵).

ملک‌اقبال شاه:

امیر ارسلان: (۲۸۹/۱۸، ۳۰۷/۲۹، ۳۰۷/۱۰، ۲۹۰/۷، ۲۹۰/۱۹).

زرین‌ملک: (۳۰/۲۱، ۴۳/۵، ۴۴/۱۲). در مجموع ۱۶۸ مورد.

آذر چهر:

ملک‌جمشیل، طلسیم آصف و حمام بلور: (۱۳۶/۴، ۱۳۱/۱۶).
«حیدرآباد».

ملک‌جمشیل، طلسیم آصف و حمام بلور: (۱۳۱/۱۶).

زرین‌ملک: (۱۲۵/۶).

شهر آشوب:

ملک جمشید، طلسما آصف و حمام بلور: (۱۲۳/۱۹).
زرین‌ملک: (۱۴۱/۱۵، ۱۴۲/۴، ۱۴۳/۲۱، ۱۴۳/۵، ۱۴۲/۱۶، ۱۴۴/۱۸، ۱۴۶/۸، ۱۴۲/۱۴، ۱۴۷/۲۰، ۱۴۸/۲۲، ۱۴۸/۱۴، ۱۴۷/۱۸، ۱۴۶/۲۰، ۱۴۶/۱۴).

آصف جاهی:

امیر ارسلان: (۸۰/۷، ۸۰/۱۲، ۸۰/۱۱، ۲۸۵/۲، ۲۰۶/۲۲، ۱۶۲/۱۱).
زرین‌ملک: (۵۰/۵، ۷۵/۵، ۷۲/۱۹).
«پشتۀ تاریک و سد بلور».
امیر ارسلان: (۳۴۳/۱۳).
زرین‌ملک: (۴۴/۸، ۴۵/۴، ۴۵/۳، ۴۸/۱۳، ۴۸/۱۲، ۴۶/۲۳، ۴۶/۱۸، ۵۳/۱۹، ۵۳/۱۶).
(۱۶۷/۴).

اکوان دیو:

ملک جمشید، طلسما آصف و حمام بلور: (۹۷/۵، ۹۷/۱۷، ۹۹/۱).
زرین‌ملک: (۸۷/۳).

جهان آرا:

ملک جمشید، طلسما آصف و حمام بلور: (۱۲۴/۹، ۱۲۴/۱۰، ۱۲۴/۱۳، ۱۲۶/۱۲۴۱۹/۱۳).
زرین‌ملک: (۱۳۰/۱، ۱۳۲/۲).

زرین‌ملک: (۶۳/۱۵، ۶۳/۱۲).

هزار طاق سلیمان:

امیر ارسلان: (۳۴۳/۱۴).
زرین‌ملک: (۱۵۵/۱۸، ۳۰/۲۲).

بحر / دریای اخضر:

امیر ارسلان: (۳۴۳/۱۴).
زرین‌ملک: (۷۲/۱۲، ۷۴/۱۴، ۷۶/۱۹، ۸۰/۳، ۸۰/۱۰، ۸۵/۱۰).

ملکه آفاق:

امیر ارسلان: (۳۳۵/۲۲، ۱۲۳/۲۸، ۱۲۵/۵، ۹۳/۲، ۸۹/۱۶، ۸۵/۲۴).

زرین‌ملک و امیر ارسلان: دو متن از یک نقال هادی یاوری و همکاران

زرین‌ملک: (۱۸/۴، ۱۹/۱، ۱۹/۸، ۷۰/۹، ۹۸/۶، ۹۹/۹، ۱۰۵/۱۱، ۱۰۴/۱۰). در مجموع ۲۰ مورد.

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۱۴/۱۵، ۵۵/۲۰، ۵۵/۱۸، ۸۰/۲، ۸۰/۱۷). (۸۱/۱۳).

امیر هوشنج / ملک هوشنج:

امیر ارسلان: (۹۴/۲۹، ۸۴/۲۹، ۹۳/۱۳، ۱۰۶/۹، ۹۶/۹، ۹۶/۱۴، ۹۴/۱۱، ۹۸/۲، ۱۰۶/۱۲، ۱۰۶/۹، ۱۱۲/۶، ۱۱۶/۱۱۴، ۱۶/۱، ۱۳۶/۱۴، ۱۳۵/۲۴، ۱۳۵/۱۴، ۱۳۱/۱۵، ۱۳۱/۱۲، ۱۱۹/۲۱، ۱۳۱/۷، ۱۱۶/۲۱، ۱۴۰/۲۳، ۱۳۹/۲۶، ۱۰۹/۱۰، ۱۰۹/۸، ۱۰۳/۱۵، ۱۵۰/۲، ۲۷/۱۴۷، ۱۴۶/۲۲، ۱۴۴/۱۱، ۱۴۲/۹، ۱۴۰/۸، ۱۳۹/۲۳، ۱۰۹/۱۰، ۱۰۹/۱۵). (۱۹۷/۳، ۱۹۶/۲۷، ۱۶۸/۱۹، ۱۶۸/۱۸، ۱۶۸/۱۲، ۱۶۲/۳۰، ۱۰۹/۱۳).

زرین‌ملک: (۹۴/۱۳، ۱۴۰/۸، ۱۴۲/۶، ۱۴۱/۷، ۱۴۱/۶، ۱۴۲/۱۰). در مجموع ۳۰ مورد.

نامدار:

امیر ارسلان: (۱۴۱/۱۶، ۱۴۹/۲۴، ۲۱۱/۳، ۱۵۷/۵، ۳۲۳/۲۵، ۳۴۳/۳۰) در مجموع ۴۵ مورد.

زرین‌ملک: (۲/۶، ۲/۶، ۲۲/۷، ۱۷/۱۲، ۱۴/۱۰، ۸/۹، ۳/۶، ۱۲/۲۲). در مجموع ۵۹ مورد.

خواجه یاقوت:

امیر ارسلان: (۱۰۶/۱۰، ۱۰۶/۱۳، ۱۲۶/۱۳، ۱۲۶/۱۵، ۱۲۸/۱۱). (۱۲۸/۱۶).

زرین‌ملک: (۱۲۹/۵).

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۲۹/۳، ۳۲/۱۴). (۳۴/۱).

ملک بهمن / بهمن شاه:

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۱۳۷/۱۳، ۱۳۸/۱۸، ۱۳۷/۱۷). (۱۳۹/۷).

زرین‌ملک: (۱/۵، ۱/۶، ۱/۸، ۱/۱۰، ۲/۳، ۲/۵، ۲/۶، ۲/۸). در مجموع ۱۳۶۵ مورد.

فریدون:

زرین‌ملک: (۱/۴، ۱/۲، ۷/۵، ۷/۲، ۱۵/۱۱، ۲۸/۶، ۱۵/۱۰). در مجموع ۵۲ مورد.

ملک جمشید، طلسنم آصف و حمام بلور: (۲۰/۱۰، ۳۳/۱۳، ۴۲/۱، ۴۶/۱۶، ۴۷/۲۰). (۱۳۹/۱۵، ۱۳۲/۱۳، ۱۳۱/۶، ۱۳۰/۳، ۵۱/۴، ۵۰/۹).

۳-۴-۲- طلسماهی مشترک

مفهوم اشتراکات طلسما در هر سه داستان از مواردی است که اهمیت فراوانی دارد. نوع طلسما، نحوه طلسما کردن و متعاقباً طلسمند کردن هر کدام ریزه‌کاری دارد برخی از این طلسماها در متون عامیانه مشترک هستند؛ لیکن آنچه مقوم بحث مورد بررسی ماست، جزئیات ریز مشترکی است که تبعاً تراویده از ذهنی واحد است. در اینجا به طلسماهی مشترک میان امیر ارسلان و زرین‌ملک و ملک‌جمشید اشاره می‌شود.

طلسم اول، طلسما صیرورت است که افراد / فرد از حالت اصلی خارج می‌شوند و جادوگر دیگری به افراد / فرد گرفتار طلسما آب می‌پاشد تا به صورت اصلی خویش بازگرددند.

امیر ارسلان:

آصف وزیر طشتی پر آب کرده ... چند اسمی خوانده بر آن آب دمید؛ آب را بر صورت ملک شاپور و وزیر و امیرانش که شبیه سنگ بودند پاشید؛ به محض رسختن آب ملک شاپور با وزیر و دوازده هزار نفر سواره و پیاده، فوراً به صورت اصلی بازگشتند و از حالت سنگ بیرون آمدند (۳۸۶/۱۴).

زرین‌ملک:

پروانه جادو خنده و گفت: «حرامزاده! شمشیر به من می‌زنی؟» لب بر لب زده. ملک‌بهمن چرخی زده به صورت بوزینه شد ... دایه‌خاتون ... طاس آبی طلبیده، اسمی خوانده و قدری از آن آب به ملک‌بهمن پاشید. ملک‌بهمن چرخی خورد، به صورت اصلی برآمد (۱۳/۴).

ملک‌جمشید، طلسما آصف و حمام بلور:

عاقبت به دست سوسنِ جادو، مادر افغانِ دیو گرفتار شدم، مرا شبیه آهو کرد ... دایه طاسی پر از آب کرد و تازیانه در دست گرفته، شروع کرد به دعا خواندن. پیوسته دعا می‌خواند و بر آب می‌دمید. به ناگاه طاس آب را برداشت، ریخت روی سر شاهزاده، و به تازیانه‌ای که در دست داشت، وردی خوانده دمید و چنان به شانه شاهزاده زد که جهان روشن پیش نظرش تیره و تار گردیده. چون کبوتر تیرخورده بلند شده، سه

هادی یاوری و همکاران

چرخ خورد و روی زمین نقش بسته، از هوش رفت و چون به هوش آمد خود را در میان قصر دید، خوابیده، سرش در دامان جهان آرای پری است (۸۹/۱۰/۹۰).

طلسم دوم، طلسما خواندن کتاب و فوران آتش است.

امیر ارسلان:

پس از آن دست در بغل کرد کتابی بیرون آورد، به امیر ارسلان داد گفت: «جوان! دستم به دامنت! قربانت شوم! این کتاب را بگیر ... همین کسی که دشمن من است، ملکه را برده است، وقتی که تو او را کشتی من ملکه را به خدمت تو می‌آورم تو را می‌برم زیر این عمارت و کنار دریاچه می‌نشانم .. این کتاب را بخوان. هرچه بگویند مخوان، گوش مده و بخوان. آتشی از گوشۀ باع پیدا می‌شود، کم کم پیش می‌آید و صدا به گوش تو می‌رسد که کتاب را مخوان! تو گوش مده و متصل کتاب را بخوان تا آتش نزدیک بیاید ... (۲۴۳/۱۱).

زرین ملک:

همین که پیر از جانب ملک بهمن خواطر جمع شد دست در بغل کرد و کتابی بیرون آورد به دست ملک بهمن داد ... قهار جادو گفت: فرزند! این کتاب را که به تو دادم در بغل بگذار و انگشت را در انگشت کن و این آتش را که می‌بینی خود را برنشان بر این آتش. از آتش که گذشتی دروازه باع نمایان می‌شود. داخل باع شو. خیابانی است. همه‌جا از خیابان برو. از برابر عمارتی نمایان می‌شود. داخل شو. تالاری است. تختی در میان تالار زده‌اند و دختری در بالای تخت خوابیده است؛ برو بالای سرش بنشین. این کتاب را آنقدر بخوان تا تمام شود. آن دختر هرچه نعره بزند و به تو التماس کند گوش به حرفش مده (۳۵/۶).

طلسم سوم طلسما باز کردن گلوبند از گردن دختر است.

امیر ارسلان:

قمر وزیر گفت: برای اینکه این دختر عشاقدان بسیار داشت، پدرش از ترس آنکه مبادا غافل او را بدزدند ببرند به من و شمس وزیر فرمود طلسما ساختیم؛ گلوبند یاقوتی را که دوازده دانه یاقوت دارد، طلسما بند کردیم که تا مادامی که این گلوبند به گردن این دختر بسته است کسی دست بر او ندارد و از این شهر نمی‌تواند بیرون بیاید. باید نوعی بشود که آن گلوبند را از گردنش باز کنی (۲۲۸/۲۳).

زرین‌ملک:

تختی زده‌اند و دختری در بالای تخت خوابیده، برو بالای سرش بنشین. گلوبند گوهری گردن او بسته‌اند که پانصد دانه گوهر دارد. از گردن آن دختر باز کن. از خواب بیدار می‌شود (۳۵/۶).

۳. نتیجه

هرچند بعضی ابیات یا گزاره‌های قالبی به صورت محدود با دیگر متون عامیانه از جمله حسین کرد شبستری یکسان است؛ برای مثال درباره گزاره قالبی آغازین؛ ولیکن آنچه به آثار نقیب‌الممالک تشخّص می‌دهد شخصی‌سازی برخی گزاره‌های قالبی است. لیکن وجه تشخّص گزاره آغازین دو متن مورد نظر ما - زرین‌ملک و امیر ارسلان - متفاوت با گزاره‌های دیگر است.

خلاف امیر ارسلان، بخش عمده‌ای از حوادث زرین‌ملک در ممالک پریزاد اتفاق می‌افتد. همین امر سبب شده است این متن نسبت به امیر ارسلان از صبغه رئالیستی و واقع‌گرایی کمتر و به همان موازات به رمانس نزدیک‌تر باشد؛ لیکن متناسب با ذوق زمان شکل‌گیری متن «افسانه‌ای شیرین» بهشمار می‌آید. با توجه به بسامد بالای اشتراکات در ابیات، گزاره‌های قالبی و اسامی مشترک در میان این سه متن، می‌توان ادعا کرد که هر سه زایدۀ تخیل یک شخص است. در شرایط داستانی یکسان، ابیات مشترک خوانده می‌شود و در شرایط جنگ و رزم، توصیف معشوق، توصیف زمان، در شکایت از بی‌مهری روزگار ابیات مشترک در دو متن دیده می‌شود.

اشتراک اسامی نیز در این سه داستان بسیار مشهود و ملموس است. علاوه بر اشخاص اول داستان، افراد فرعی نیز اسامی مشترک دارند. بدین طریق که نقال چندین و چند اسم در ذهن داشته است و روایتش را حول محور همین چند اسم به بیان درمی‌آورد. به طور مثال اگر ملک‌بهمن در داستان زرین‌ملک پادشاهزاده است، در متن ملک جمشید، طلس‌آصف و حمام‌بلور، پادشاه است. نعمان‌شاه در دو داستان امیر ارسلان و ملک جمشید از اشخاص درجه اول و کلیدی داستان است؛ لیکن در داستان زرین‌ملک از خردۀ شخصیت‌های داستان است. برخی اشخاص مانند «جهان‌آرآ»، «سروناز»، «ملک‌فریدون» و... شخصیت‌هایی هستند که غالباً یا توسط قهرمان نجات پیدا کرده‌اند یا

به واسطه‌ای انتسابی به شخصیت‌های اصلی وصل می‌شوند. برخی دیگر از اسمای مانند «خواجه یاقوت» و «دایه خاتون» نیز که اسمشان تداعی‌کنندهٔ شخصیت و کارکردشان در داستان است نیز به صورت مشترک در هر سه داستان حضور دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. درباره دورهٔ تاریخی شکل‌گیری متن می‌توان به دو ویژگی بارز در آن اشاره کرد: نخست وفور اشعار قائنی در متن است. در متن زرین‌ملک نیز به‌مانند امیر ارسلان ایيات فراوانی متناسب با متن وجود دارد که احتمالاً همان‌طور که معیرالممالک (۱۳۶۱: ۶۴) هم گفته با آواز و همراه با ساز خوانده می‌شده است. در کل این متن ۴۲۰ بیت نقل شده که از این ایيات، سهم قائنی ۶۸ بیت تقریباً معادل ۱۶ درصد از کل ایيات متن است که حجم قبل توجهی است. نکتهٔ دیگر این است که آثار زندگی مدرن در متن به چشم می‌خورد. اشخاص داستان هر روز صبح که از خواب بیدار می‌شوند به حمام می‌روند و سر و کله را صفا می‌دهند و لباس تمیز و مرصن به تن می‌کنند و بعد به دنبال کارهای روزمرهٔ خویش می‌روند؛ ویژگی‌ای که در متون متقدم از قرن دوازدهم با توجه به سبک زندگی سنتی ایرانی به چشم نمی‌خورد.

بررسی این متن از نظر روایت‌شنو هم ما را به نکته‌های جالب توجهی رهنمون می‌سازد. طبق گفتهٔ صریح دوستعلیٰ معیرالممالک، روایت‌شنوی زرین‌ملک شخص ناصرالدین‌شاه بوده و این روایت در دل مرکز قدرت وقت، یعنی دربار، شکل گرفته است. به همین خاطر برخی ویژگی‌های زبانی را هم تحت تأثیر خود قرار داده است؛ برای مثال آوردن فعل فرمود برای شاه و عرض کرد برای سایر افراد.

نکتهٔ پایانی در راستای شناخت بهتر مخاطبان از این متن، زبان تاریخی متن است. توضیح اینکه در نسخهٔ خطی، برخی افعال و واژگان از جملهٔ برخاست و خاطر با و او مadolه به شکل برخواست

و خواطر، ضبط شده است

۲. چنان‌که مثلاً طراز‌الأخبار گنجینه‌ای از وصف‌های کلاسیک است و در حکم «کتاب بالینی نقالان» بوده است (نک. شفیعی کدکنی، نگاهی به طراز‌الأخبار، ۱۱۱).
 ۳. «اما راویان اخبار و ناقلان آثار چنین آورده‌اند که» (۱۳۷۰: ۲).
 ۴. «اما راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرشکن شیرین گفتار و نغمه‌سرایان خیل شاخصار» (۱۳۸۶: ۷).

۵. رک: ذوالفقاری، قصه‌شناسی نوش آفرین نامه.

۶. گزارهٔ قالبی آغازین متن «اما راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرشکن شیرین گفتار» (۱۳۹۲: ۲۱).
 ۷. جالب توجه است که در کتاب قصهٔ نوش آفرین گوهرتاج که از نظر زمانی و محتوایی یکی از نزدیک‌ترین متون به زرین‌ملک و امیر ارسلان است، جز در چند مورد انگشت‌شمار گزاره‌ها و

اسامی و ایات مشترک دیده نمی‌شود. درباره گزاره‌های قالبی مشترک پرسامد این متن با متون مورد نظر ما، تنها می‌توان به گزاره «القصه» و «چند کلمه از ... بشنو» اشاره کرد که مجموعاً ۳۸ مورد به‌چشم می‌خورد و در مقایسه با متون ما کاربردی نابجا و صرفاً پنهان‌نده میان دو بخش مجزای داستان است. از نظر ایات مشترک فقط دو مورد به‌چشم می‌خورد:

«مرا دردیست اندر دل اگر گویم زبان سوزد / اگر دم درکشم ترسم که مغز استخوان سوزد / منجم کوک بخت مرا از برج بیرون کن / که من کم‌طالع ترسم ز آهن آسمان سوزد» (قصه نوش آفرین گوهرتاج، ۱۳۹۲: ۲۶). «چو بوسید پیکان سرانگشت او / گذر کرد از مهرب پشت او» (همان، ۸۳). و تنها اسم مشترک دو متن «ملک‌بهمن» (۹۶/۲۷) است.

8. Type

۹. برای آشنایی بیشتر رک: یاوری، از قصه به رمان، ۱۷۳.
۱۰. در معنای به هوا بلند شدن.
۱۱. برای مثال رک: امیر ارسلان، ۹۶/۲۷ و ۹۶/۴.
۱۲. برای نمونه در اینجا رد و بدل شدن دشنام بین امیر ارسلان و الماس خان را که حالت رجز دارد می‌آوریم:

«امیر ارسلان رگ غیرتش به حرکت آمد ... نعره برآورد: ای حرامزاده! اگر می‌دانستم این قدر ناجوانمرد و بی‌غیرت هستی هرگز رو نمی‌انداختم و خواهش از تو نمی‌کردم. حقاً که نامردی و از قجه‌های عالم کمتری. لچک خراباتیان فرنگ بر سر توست؟

الMAS خان صدا برآورد: مادر بخطای ولدالزننا! مرا نامرد می‌خوانی و فحش می‌دهی؟ اگر با شمشیر شقهات نکنم نامرد باشم. حرامزاده به من نامربوط می‌گویی؟ یا پایین دست به بند بده ما را مغلط مکن.

امیر ارسلان قاچاه خندید و شیشکی انداخت و گفت: ولدالزنای حرامزاده! تو مرا با شمشیر شقه می‌کنی؟ آن‌که مرا شقه بکند هنوز به دنیا نیامده است. سگ کیستی بتوانی چپ به من نگاه کنی؟».

منابع

- ابن فریدون شاه ختایی (۱۳۹۴). ملک‌بهمن. تهران: ققنوس.
- بالایی، کریستف (۱۳۷۷). پیدایش رمان فارسی. ترجمه مهوش قدیمی و نسرین خطاط. تهران: معین.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۴۳). «دو روزی با ناصرالدین شاه در چمن‌زارهای سویس». یغما. ش ۵، س. ۸. مرداد ۱۳۴۴. صص ۲۰۶-۲۱۷.
- داد، سیما (۱۳۷۶). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید.

- دقایقی مروزی (۱۳۱۰). *بختیارنامه*. تهران: ارمغان.
- سیف الدینی، علیرضا (۱۳۸۶). *حسین کرد شبستری*. تهران: ققنوس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۱). «نگاهی به طراز لاتین». *نامه بهارستان*. س. ۳. ش. ۱. صص ۱۰۹-۱۲۲.
- عربزاده یعقوبی (۱۳۶۴). *فلک ناز و خورشید آفرین و سرو و گل طناز*. تهران: آیدا.
- فرسایی، محمد. (۱۳۷۰). *امیر حمزه صاحب قران*. تهران: سعدی.
- مارزلف، اولریش (۱۳۷۱). *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی*. ترجمه: کیکاووس جهانداری. تهران: سروش.
- (۱۳۷۴). *قصه‌های مشدی گلین خانم*. تهران: مرکز.
- (۱۳۹۲). *قصه نوش آفرین گوهرتاج*. تهران: بهنگار.
- محجوب، محمد جعفر (۱۳۸۳). *ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و رسوم مردم ایران)*. تهران: چشممه.
- معیرالممالک، دوستعلی (۱۳۳۴). « رجال عصر ناصری ». یغما. س. ۸. ش. ۱۲. صص ۵۵۴-۵۵۶.
- (۱۳۶۲). *یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین‌شاه*. چ. ۲. تهران: تاریخ ایران.
- ظامی عروضی، الیاس (۱۳۸۵). *چهارمقاله*. به تصحیح علامه قزوینی. تهران: جام.
- نقیبالممالک، محمدعلی (۱۳۲۷). *ملک جمشید و طلسما آصف و حمام بلور*. تهران: فهم.
- (۱۳۴۰). *امیر ارسلان*. به تصحیح محمد جعفر محجوب. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- یاوری، هادی (۱۳۸۸). « گزاره‌های قالبی در امیر ارسلان ». *تقد ادبی*. ش. ۴. صص ۱۸۵-۱۵۳.
- (۱۳۸۸). « نقش بافت و مخاطب در تفاوت سبک نشر امیر ارسلان و ملک جمشید ». *جستارهای ادبی*. ش. ۱۶۷. صص ۲۵-۱.
- (۱۳۹۰). *از قصه به رمان*. تهران: سخن.
- Marzolph, U. (1999 14/2). "A Treasury of Formulaic Narrative: The Persian Popular Romance Hosein-e kord". *Oral Tradition*. No ۱۴ . pp. 279-303.

